



22 جنوری 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان

(بخش بیست و دوم)

(ادامه مبحث لویه جرگه اضطراری 1381 (2002م)

چرا شاه سابق نخواست کاندید ریاست حکومت انتقالی باشد؟

در مورد نقش اعلیحضرت محمد ظاهر شاه - پادشاه سابق گفتنی ها بسیار است که شرح همه در این مختصر نمیگنجد، اما قابل ذکر است که اعلیحضرت در اوایل ماه جوزای 1352 به دلیل معاینات صحتی عازم لندن گردید و از آنجا طبق معمول به یکی از جزایر ایتالیا برای دوره استراحت تشریف برده بود که خبر کودتای 26 سرطان را شنید و بتاريخ 21 اسد همان سال استعفی نامه خود را از مقام سلطنت عنوانی رئیس دولت محمد داؤد ارسال داشت و از آن به بعد به حیث مهاجر در ایتالیا با خانواده خود بسربرد. تا آنکه اعلیحضرت چند ماه بعد از حمله امریکا و سقوط اداره طالبان و نیز تشکیل اداره مؤقت تحت ریاست حامد کرزی پس از تقریباً 29 سال هجرت، دوباره به وطن عودت کرد و در یک قسمت ارگ ریاست جمهوری که در زمان سلطنت خود به انکشاف آن بسیار زحمت کشیده بود، اقامت گزید.

با خروج قوای شوروی از افغانستان جنگ سرد فروکش کرد و جای آنرا تفاهم "شرق و غرب" گرفت. در اثر این رویداد مهم در عرصه جهانی، دیگر نیاز برای تعقیب سیاست بهره برداری از قضیه افغانستان در ساحه بین المللی نیز به حداقل رسید و در قبال آن نقش پاکستان و جهاد و مجاهدین و در مجموع راه حل نظامی نیز تقلیل یافت و جای آنرا راه حل سیاسی اشغال کرد. به هر اندازه که راه حل سیاسی بیشتر مطمح نظر گردید، به همان اندازه نقش اعلیحضرت پادشاه سابق به حیث یک بدیل مورد بحث و مناقشه طرفهای درگیر و ذینفع افغانستان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. اعلیحضرت پس از فروکش کردن جنگ سرد و توجه به راه حل سیاسی از زمان خروج قوای شوروی تا تدویر لویه جرگه اضطراری بطور کل شش بار به حیث بدیل در حل معضله کشور مطرح بحث شد و هر بار با مقاومت مخالفان و سبوتاژ بعضی از حلقات خاص مواجه گردید، از اینقرار:

1 - بعد از امضای موافقتنامه "ژنیوا" و خروج قوای شوروی مسئله ایجاد یک حکومت مسمی به "مصالحه ملی" ظاهراً از طرف داکتر نجیب رئیس رژیم حکومت کمونیستی کابل و در واقع به هدایت مقامات مسکو مطرح شد. نجیب از اعلیحضرت تقاضای اشتراک در قدرت را کرد، ولی ایشان در پاسخ گفتند که با رژیم کابل همکاری نخواهند کرد، چون نجیب ادامه رژیم کمونیستی است. اگر به افغانستان برگردند، با مجاهدین یکجا خواهند رفت.

2 - یک سال قبل از آنکه در می 1992 حکومت کمونیستی کابل سقوط کند، سرمنشی ملل متحد "دوکویار" پلان پنج فقره ای آن مؤسسه را ارائه کرد که مبنای فعالیت های بعدی ملل متحد را بطور کل تا چندین سال بعد در افغانستان تشکیل میداد. متعاقباً اعلیحضرت پادشاه سابق نیز میکانیزم

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پاڅوالې په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

پیشنهادی خود را که بعداً مسمی به "پلان سه فقره ای" گردید، ارائه نمود. این دو پلان که در واقع محتوای بسیار مشابه داشتند، موجب شد تا بار دیگر نقش اعلیحضرت به حیث یک بدیل در حل قضیه افغانستان مطرح بحث حلقه های افغانی و بین المللی گردد.

3 - هنگامیکه طالبان به قدرت رسیدند، آنها اعلان کردند که از پادشاه سابق و اعضای فامیلش در افغانستان استقبال میکنند، بدون آنکه راجع به نقش موصوف تذکری دهند. این وضع افواهی را به راه انداخت که گویا طالبان همان قوای بیست هزار نفری مندرج پلان ملل متحد می باشند که در حمایت از اعلیحضرت عمل خواهند کرد. سفر جنرال عبدالولی به پاکستان (جولای 1995) این افواه را تقویه کرد و آوازه آن در همه جا پیچید، مخصوصاً حلقه های نزدیک به روم جلساتی در هر جا برای حمایت از طالبان برپا داشتند و اما همین که پای طالبان به زمین محکم شد، همه آوازه های دروغین و مهمه های آن به سکوت گرائید و طالبان دیگر نامی از پادشاه سابق نبردند.

4 - هنگامیکه "شورای مصالحه و وحدت ملی" زیر نظر استاد عبدالستار سیرت (یکی از مشاوران ارشد اعلیحضرت) نخست در فرانکفورت و بعد در استانبول پا بعرصه وجود گذاشت و یک تعداد شخصیت های بیشتر منسوب به "جبهه متحد شمال" در آن جا گرفته بودند، چنین شایع شد که گویا اعلیحضرت با همکاری و حمایت جبهه مذکور در داخل افغانستان فعال خواهد شد. این شایعه تاجائی پیش رفت که اعلیحضرت ناگزیر برای نفی غیرمستقیم آن، جلسات متعدد را در روم زیر نظر خود دائر کرد تا حد فاصل را بین روم و شورای مصالحه و وحدت ملی منعکس سازد.

5 - مرحله دیگر بعد از برهم خوردن مناسبات امریکا با طالبان است که اساساً با اقامت اسامه بن لادن زیر حمایت طالبان در افغانستان و تهدید های علنی او علیه امریکا در اوایل سال 1998 آغاز یافت و با بمب گذاری دو سفارت امریکا در افریقا در اواسط آن سال کسب شدت کرد. از آن تاریخ به بعد امریکا سلسله حمایت های خود را از طالبان پایان داد و بجای آن بار دیگر به اعلیحضرت به حیث یک بدیل قابل اعتبار عطف توجه کرد. چنانکه در "اوراق سفید" منتشره یک مؤسسه تحقیقاتی معتبر امریکائی و با اشتراک زلمی خلیلزاد (بعداً نماینده خاص رئیس جمهور جارج بوش جوان و سفیر صاحب اقتدار آن کشور در افغانستان) بر ضرورت این بدیل در صورت تغییر ناپذیری طالبان جداً تأکید بعمل آمده بود. اداره قبلی امریکا در دوره ریاست جمهوری بل کلنتون نیز برای جلب همکاری اعلیحضرت داخل اقدام شده بود و گفته میشد که منابع مالی را نیز در اختیار روم قرار داده بود. عطف توجه به شاه سابق بخصوص بعد از وضع تعزیرات امریکا و متعاقباً تعزیرات شورای امنیت ملل متحد بر طالبان بیشتر گردید و هیئت های امریکائی چندبار با اعلیحضرت در روم دیدار کردند و رفت و آمدها و تدویر مجالس افغانی در آنجا رونق بیشتر گرفت.

6 - آخرین بار که اقدام عملی جهت جلب حمایت اعلیحضرت صورت گرفت، موقع حساسی بعد از سقوط طالبان بود که با در نظر داشت نقش ملل متحد برای پرکردن خلای قدرت، آقای لخضر ابراهیمی - نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان که مدتی خود را از مسائل دور گرفته بود، دوباره وارد صحنه فعالیت گردید. اولین قدم همانا تدویر اجلاس مورخ اول اکتوبر 2001 در روم در منزل شخصی پادشاه سابق بود. در این مجلس طرفین روم و نمایندگان جبهه متحد شمال به رهبری استاد ربانی به تفاهم رسیدند که در مورد تدویر لویه جرگه اضطراری با امتیاز مساوی (60 نفر از هر طرف) اقدام نمایند تا بدانوسیله یک بدیل ائتلافی (روم و جبهه متحد شمال) را بجای طالبان به وجود آورند. این تفاهم وقتی از نظر افتاد که قوای شورای نظار پس از تخلیه کابل از وجود

طالبان، برکابل بار دیگر دست یافت و برهان الدین ربانی مجدداً در راس آن قرار گرفت. اما وقتی حکومت مؤقت از طریق کنفرانس بن در دسامبر 2001 بزعامت حامد کرزی ایجاد گردید، اعلیحضرت با وجودیکه در سن کهولت (87 سالگی) قرار داشتند، به تشویق قدرت های ذی‌علاقه در ماه اپریل 2002 عزم برگشت به افغانستان را کردند و تلاش بعمل آمد تا اعلیحضرت را قانع سازند که به نفع کرزی اعلام حمایت کند و ضمناً از کاندید شدن خود برای احراز مقام ریاست مؤقت انصراف نماید. (برای شرح مزید دیده شود: "نگاهی به نقش اعلیحضرت پادشاه سابق طی 29 سال هجرت در حل معضله کشور"، از این قلم، افغان جرمن آنلاین، 2 اگست 2016)

در رابطه به این سؤال که چرا شاه سابق نخواست کاندید ریاست حکومت در دوره انتقالی باشد، باید گفت که اعلیحضرت پادشاه سابق وقتی بوطن مراجعت کرد، با آنکه شخصاً طالب کدام مقام رسمی نبود، ولی اطرافیان و حامیان شان اصرار میکردند تا به حیث کاندید مقام ریاست حکومت انتقالی، وارد میدان انتخابات در لویه جرگه اضطراری شوند. در این حال واضح بود که با موجودیت استاد ربانی از یکطرف و شاه سابق از طرف دیگر، چانس موفقیت کرزی به حیث یک شخص مورد نظر امریکا در انتخابات شدیداً تقلیل می یافت و پلان مطروحه ملل متحد و از همه مهمتر مقامات امریکائی که از مدتها قبل در موجودیت کرزی شکل گرفته بود، به ناکامی مواجه می گردید و نیز افغانستان با یک تشنج جدید روبرو می شد، زیرا گفته میشد که ربانی با زعامت پادشاه سابق ولو برای دو سال دوره انتقالی موافق نبود. لذا زلمی خلیزاد- نماینده مخصوص رئیس جمهور امریکا در امور افغانستان و یک شخصیت فعال در قضیه کشور، ضمن دیدار با پادشاه سابق و شرح مسائل، توانست به سهولت ایشان را از کاندید شدن منصرف و یا بعبارت بعضی ها او را مجبور به کناره گیری سازد. به گفته داکتر عمرزاخیل وال - یکی از وکلای لویه جرگه اضطراری: «وکلاء اول فکر میکردند که در اینکار نقش دارند، ولی بعداً فهمیدند که همه چیز قبلاً تعیین شده بود. مردم اکثراً طرفدار پادشاه سابق بودند، اما کرزی راه خود را پیش گرفت. حضور مامورین امریکائی در مجلس این سؤال را مطرح کرد که آیا ایالات متحده امریکا برای موفقیت کرزی در فعالیت بوده است، یا چطور؟» داکتر اشرف غنی که در آنوقت اداره امور کمکهای خارج را تنظیم میکرد، با رد آن شایعه گفت: «انصراف پادشاه سابق جزء یک عملیه سیاسی عادی بوده است.» (دیده شود مقاله مالکم گارسیا: مرکوری نیوز، مورخ 14 جون 2002، صفحه 14 الف)

زلمی خلیزاد در کتاب خاطرات خود تحت عنوان "فرستاده" که متن دری آن در سال 1395 (2016) به نشر رسید، در رابطه با نقش پادشاه سابق حین مذاکرات هیئت ها در کنفرانس بن که تا آنوقت به خوبی و با تفاهم همه جوانب پیش میرفت، می نویسد: «وقتی چهار چوب اساسی برای روند انتقال ترسیم شد، کنفرانس به رکود مواجه شد. مشکل اصلی نقش شاه [سابق] بود. خانواده سلطنتی [؟؟] در حالیکه به دنبال برقراری نظام پادشاهی نبود، اعلام کرد که شاه از روم به کابل باز میگردد تا در حکومت جدید سهم بگیرد. برای ائتلاف شمال و حامیانش این امر غیرقابل قبول بود. چندین روز تأمل و تردید درباره شاه کنفرانس را به خطر انداخت.» خلیزاد در ادامه می افزاید: «از آنجائیکه سیاست نرم و مسامحه آمیز ما کار نمیکرد، دابینز [رئیس هیئت ایالات متحده] تصمیم گرفت که مداخله کند. او نوعی مصالحه را پیشنهاد کرد: ظاهر شاه رئیس دولت نخواهد شد، اما لویه جرگه اضطراری را گشایش خواهد داد. گروه روم او اختیار خواهد داشت که رهبر دولت مؤقت را به گونه ای معرفی کند که این رهبر برای همه هیئت ها قابل قبول باشد.... دابینز از من [خلیزاد] خواست که کار را با گرفتن تماس با شاه [سابق] شروع کنم و نظر او را درباره پیشنهاد سازش مان

پیرسم. به شاه درخانه اش در روم وصل شدم و ایده مان را توضیح دادم. او به نقشی که ما برایش پیشنهاد داده بودیم، توافق و تکرار کرد که نمی خواهد دولت را رهبری کند. ما توانستیم توافق ائتلاف شمال را برای این نقش محدود برای شاه حاصل کنیم.» معلوم نیست که خلیل‌زاد چه سخنان دیگر را با شاه در میان گذاشته بود که شاه سابق به زودی با یک امتیاز هیچ یعنی صرف افتتاح لویه جرگه حاضر به قبول پیشنهاد او گردید!!

خلیل‌زاد درباره انتخاب حامد کرزی در راس اداره مؤقت حین اجلاس بن می نگارد: «چالش دیگر تعیین رئیس دولت [اداره] مؤقت بود. وقتی به کنفرانس می رفتیم، فرض کردیم که کرزی به راحتی صاحب چنین عنوانی خواهد شد. او تنها چهره ای بود که از حمایت فراگیر در داخل و خارج کشور برخوردار بود [؟؟]. عبدالله در پروازی از تاشکند به کابل پیش از کنفرانس بن به دابینز گفته بود که او [حامد کرزی] مناسب ترین رهبر [؟؟] پشتون است که مورد قبول ائتلاف شمال می باشد. شگفت آور بود که کشورهای همسایه حتی نظامیان پاکستان هم او را تأیید کردند.»

اینکه چرا ائتلاف شمال و حتی کشورهای همسایه و بخصوص امریکا همه از حامد کرزی حمایت میکردند، دلیلش بر میگردد بیشتر به خصلت و خوی سازشکارانه او از یکطرف و فقدان پشتوانه مردمی و قومی او ازطرف دیگر و نیز نداشتن یک اجندای مشخص کاری برای خودش. به این اساس همه فکر میکردند که میتوانند از موجودیت همچو شخص به اصطلاح "بی باد و بی بخار" به سهولت به نفع خود استفاده کنند. برای امریکائی ها کرزی یک گماشته و همکار سابقه آنها بود که در زمان طالبان در پروژه تمدید انتقال گاز بوسیله کمپنی امریکائی "یونیکال" از نزدیک با خلیل‌زاد و گروه او همکاری داشت و نیز هنگام اقامت در پاکستان با کانال های مختلف آن کشور به تماس بود. علاوهً انتخاب یک پشتون ضعیف و فاقد قدرت قومی برای جبهه شمال نیز خوش آیند بود تا او را در کف دستان خود داشته باشد، چنانکه درطول مدت زعامت حامد کرزی این موضوع به اثبات رسید، مگر وقتیکه امریکائی ها در انتخابات سال 2009 ریاست جمهوری از او روی گشتاندند و اینکار موجب رنجش خاطر کرزی از اداره رئیس جمهور اوباما گردید که تا امروز این داغ از دل کرزی نرفته است.

توضیحات مزید خلیل‌زاد باز هم در ارتباط با گزینش رئیس اداره مؤقت در کنفرانس بن دلچسپ است، زیرا او در زمینه می نویسد: «وقتی نامزدی رهبر مؤقت فرا رسید، گروه روم ستار سیرت را در یک رأی گیری 9 برابر 2 رأی به عوض کرزی برگزیدند. بسیاری از نمایندگانی که تبعیدشدگان [مهاجرین] قدیمی بودند، هیچ احساس وفاداری به چهره جوانتر و کم تجربه تر کرزی نداشتند که رویهمرفته خودش در کنفرانس نبود تا از خود دفاع کند. برخی [؟؟] کرزی را تهدید در برابر جاه طلبی خود در دولت جدید میدانستند. کرزی از دهه 1990 عضو گروه روم بود، اما بیشتر بر بسیج قبیله ای و پشتون های سلطنت طلب در افغانستان و پاکستان تمرکز کرده بود [بهتر است در اینجا از نقش پدرش شهید عبدالاحد خان کرزی یاد کرد، زیرا در آنوقت حامد کرزی چندان شخصیت سرشناس قومی در بین پشتون ها و حتی در بین اقوام خود در قندهار نبود - کاظم]؛ سیرت در مقایسه با او نقش فعالی در گروه روم درسالهای 1990 بازی کرده بود. او علاوه بر خدمت به عنوان مشاور ارشد ظاهر شاه، [برعلاوه] تلاش برای ابتکار لویه جرگه، شاه را هم رهبری کرده بود. اما او عمیقاً تفرقه برانگیز بود، حتی در درون گروهی که رهبری میکرد [مقصد نویسنده احتمالاً روابط سیرت با جنرال عبدالولی - داماد شاه و شخصیت نفوذگذار بر پادشاه سابق در روم بوده است].»

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

خلیلزاد در ادامه می افزاید: «نمایندگان ائتلاف شمال اصرار کردند که هرچه من در توان دارم، انجام دهم تا مانع نامزدی سیرت شوم قانونی [محمد یونس - رئیس هیئت جبهه شمال در کنفرانس بن] فکر میکرد که ربانی به نفع سیرت کناره گیری نخواهد کرد. از آنجائیکه سیرت از نظر قومی از بک بود، قانونی فکر نمیکرد که او [سیرت] بتواند ادعای داشتن پیروان زیادی میان پشتون ها داشته باشد و بتواند کشور را متحد کند. ... بلاتکلیفی، کنفرانس بن را به انحلال تهدید میکرد. وقتی من، دابینز و ابراهیمی به گروه روم خبر دادیم که نامزدی سیرت برای دیگر گروه ها غیرقابل قبول است، سیرت سرسختی کرد... من که می ترسیدم کنفرانس پایان نافرجام داشته باشد، تمام اعضای هیئت روم را گردهم جمع کردم و گفتم که: شما توافق قبلی خود را انکار [نقض] کرده اید، من یادآوری کردم که شما توافق کردید رئیس دولتی را نامزد کنید که مورد توافق سه گروه دیگر باشد. به آنها هشدار دادم که یا به توافق قبلی خود پایبند بمانید یا تقصیر ناکامی کنفرانس را به پای گروه روم می نویسیم. آنها باید مسئولیت چنین تحول و پیامد های آنرا برای افغانستان بپذیرند. من سپس دوباره به ظاهرشاه زنگ زدم و مسئله را توضیح دادم. سخنانم را با همدردی شنید و توضیح داد که گزینه او هم سیرت نبوده است. با من هم نظر بود که گروه روم غیرمنطقی بوده و پیشنهاد داد که با برخی از پیروان خود تماس تلفونی بگیرد. او مرا تشویق کرد که با نوه اش مصطفی ظاهر - یکی از نمایندگان از نزدیک مشورت کنم. سرانجام زیر فشار شاه، گروه روم دوباره جلسه کرد و به کرزی رأی داد.» (برای شرح مزید دیده شود: خلیلزاد، زلمی - "فرستاده - از کابل تا کاخ سفید، سفر من در جهان آشفته"، مترجم: هارون نجفی زاده، چاپ اول، 1395، از صفحه 117 تا 130)

در ارتباط با نقش زعامت مجدد اعلیحضرت پادشاه سابق این نکته قابل ذکر است که ایشان به حیث یک شخصیت قابل اعتبار ملی و بین المللی در همان سالهای اول جهاد اگر به اقدامات عملی و جدی تشبث میکردند، چانس موفقیت شان بیشتر بود، اما تداوم انزوا برای چندین سال از یکطرف و تعلیل قوای جسمانی شان نسبت به کبر سن از طرف دیگر و همچنان سنگ اندازیهای متواتر پاکستان و بعد رژیم آخوندی ایران و نیز مخالفت تنظیمهای هفتگانه و هشت گانه به شمول ایجاد رقابت ها در حلقه روم، همه باهم موجب شدند تا اعلیحضرت نتواند نقش بارز در حل معضله کشور بازی نمایند. لذا نقش شان به حیث بدیل درهریک از شش مرحله فوق فقط وقتی مطرح میگردد که وضع در افغانستان بیک نوع بن بست مواجه میشد و در چنین مواقع از موجودیت اعلیحضرت به حیث وسیله فشار به مقصد طرق دیگر استفاده میگردد. مخصوصاً پیشرفت سن و سال نه تنها از نظر توانائی رهبری و بیرون کشیدن کشور از بحران جدی چند جانبه یک معضله بود، بلکه اعلیحضرت خود میدانست که در صورت رسیدن به زعامت در کشور، نام از او و کام از دیگران خواهد بود و اما مسئولیت آن در تاریخ بنام او ختم می شد و لذا نخواست در آن شرایط سخت خود را درگیر قبول این مسئولیت بزرگ سازد و بناءً برطبق خواست امریکائی ها تا اخیر عمر به حمایت از حامد کرزی اکتفا نمود. از آن به بعد اعلیحضرت مدت پنج سال و چند ماه در ارگ اقامت داشتند تا آنکه داعی اجل را به سن 92 سالگی بتاریخ اول اسد 1386 لیبیک گفتند.

ارزیابی کلی لویه جرگه اضطراری و مشکلات آن:

درباره ارزیابی عمومی این لویه جرگه و مشکلات آن باید بطور مختصر به نکات ذیل اشاره کرد:

- 1 - تعداد بسیار زیاد نمایندگان حتی به مراتب زیادتر از یک لویه جرگه عادی؛
- 2 - توقعات بیش از حد نمایندگان از این لویه جرگه اختصاصی؛ 3 - عدم وضاحت در محتوا و عبارات موفقتنامه بن که موجب سوء تعبیرها گردید، بخصوص در ارتباط تعیین اعضای کابینه و پستهای

د پانو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

- کلیدی که منجر به تعویق معرفی یک عده اعضای کابینه در سه مرحله شد، همچنان مصلحتی بودن تعیین اعضای کابینه؛
- 4 - توجه بیشتر به عملیه انتخاب نمایندگان و توجه کمتر به اجندا و چگونگی تدویر جرگه و تدابیر مقدماتی آن؛
 - 5 - انصراف غیرمترقبه پادشاه سابق از کاندید شدن برای ریاست دولت و تشنج جدی بین طرفداران ایشان، همچنان انصراف برهان الدین ربانی متعاقب شاه سابق؛
 - 6 - تشنج در مورد انتخاب رئیس لویه جرگه؛
 - 7 - نفوذ والیها و جنگ سالاران حین اجلاس و تهدید نمایندگان؛
 - 8 - بحث های داغ و جدی نمایندگان و تأکید بردوری از جنگ و قوماندان سالاری؛
 - 9 - بحث روی تشکیل یک مرجع تفنیی مؤقت که البته این موضوع شامل موافقتنامه بن نبود، اما نمایندگان بر آن اصرار داشتند؛
 - 10 - جرأت و صراحت بیان خانمها و از همه مهمتر کاندید شدن یک زن برای احزار مقام ریاست دولت که رویداد تاریخی و بس مهم در کشور محسوب میشد.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ